

# ازدواج کودکان زیر 18 سال و تاثیر آن در خشونت‌های خانگی

سارا گودرزی-لیلا بهرامی

ازدواج یکی از مهمترین وقایع زندگی هر انسانی است. حق انتخاب شریک زندگی ابتدایی ترین و طبیعی ترین حق زندگی یک انسان است.

لازم به ذکر است که ازدواج از مهمترین نهادهای حقوقی جوامع بشری است. داشتن آمادگی و بلوغ جنسی، جسمانی و بلوغ عقلانی طرفین برای اقدام به ازدواج تا حدی است، که اکثر نظامهای حقوقی؛ حداقل سن را برای آغاز این مرحله از زندگی ضروری دانسته اند.

کنوانسیونهای بین المللی مختلفی در ارتباط با این موضوع وجود دارد. کودکان زیر 18 سال به لحاظ حقوقی دارای وضعیت غیره رشید هستند و اعمال حقوقی آنها از جمله عقد نکاح دارای توابع و شرایط خاصی است.

غیره رشید کسی است که تصرفاتش در اموال و حقوق مالی خود عقلایی نباشد و منظور از عقل متعارف عقول است. بر اساس آنچه که در فقه امامیه و ماده 1064 قانون مدنی آمده است؛ طرفین عقد نکاح باید عاقل و بالغ و قاصد باشد.

در این ماده حرفی از رشد به عنوان یکی از شرایط اساسی صحت عقد شده و بنابراین افراد غیره رشید نیز می توانند ازدواج کنند. البته ازدواج تنها محدود به داشتن سه شرط نیست و وجود سایر شرایط نیز برای تحقق نکاح ضروری است.

یکی از شروط اساسی در نکاح سن طرفین عقد است؛ که برای دختر حداقل 13 سال و برای پسر حد اقل 15 سال تعیین شده است. البته طبق ماده 1041 قانون مدنی نکاح دختر قبل از رسیدن به سن 13 سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن 15 سال تمام شمسی به شرط رعایت مصلحت از سوی ولی طفل و با تشخیص دادگاه صالح بلا مانع است.

همچنین طبق ماده 1043 قانون مدنی نکاح دختر باکره اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد؛ وقوف به اجازه پدر یا جد پدر اوست. پس می بینیم که به گونه ایی قانون؛ به دختران و پسران در زیر سن رشد اجازه داده است و این نوعی ترویج خشونت علیه کودکان است.

کودکانی که هنوز به بلوغ فکری کامل نرسیده اند؛ اینگونه با مجوز قانونی پیوندی را آغاز می کنند و بعزت عدم تعلیمات و عدم فرهنگ سازی در سنین زیر 18 سال باردار شده و علی رغم داشتن توان جسمی باید پرورش دهنده نوزاد نیز باشند. برای داشتن بلوغ فکری و حتی جسمی سن خاصی مد نظر نیست. اما آنچه مهم به نظر می رسد این است که فرد زیر 18 سال هنوز غیره رشید محسوب می شود.

1- دخترانی که در سنن پایین و بدون آگاهی علی رغم میل خودشان و به درخواست پدر به ازدواج فردی درمی آیند؛ بصورت قانونی و مشروع مورد تجاوز قرار می گیرند و این مسئله در ایران به دلیل آمیخته شدن مباحث شرعی با اصول روانشناسی و حقوقی کودکان و نیز به توافق نرسیدن ایران با جامعه جهانی برای تعریف کودک و نبود قوانین حمایتی و نیز محور بودن بلوغ شرعی کمی مشکلتر است.

ازدواج زود هنگام الزامات قابل توجهی روی عروس های خردسال از نظر سطح پایین آموزش، بهداشت ناچیز، فقدان استقلال شخصی به دنبال دارد. بررسی ها نشان می دهد چنین موقعیتی سبب می شود فرآیند جامعه پذیری دختران خردسال از انواع تحولات شناختی و جسمی، روحی و فکری به نقش باروری تقلیل یابد. همبستگی نزدیکی بین ازدواج زود هنگام و سطح آموزش دختران وجود دارد.

یکی دیگر از پیامد های آسیب رسان ازدواج کودکان جدایی از خانواده و دوستان، از دست دادن آزادی تعامل با همسالان و مشارکت در فعالیت های اجتماعی و کاهش فرصت های آموزشی است. همچنین ازدواج کودک منجر به کار اجباری یا بردگی کودکان، استثمار جنسی و تجاری و خشونت علیه آنان است.

به دلیل آن که کودکان نمی توانند از رابطه جنسی جلوگیری کرده و برای استفاده از روش های پیشگیری تاکید کنند، بنابراین در معرض مخاطرات بهداشتی نظیر بارداری پیش از بلوغ سنی، انتقال عفونت های جنسی و به خصوص اچ آی وی و (ایدز) قرار می گیرند.

ازدواج، بارداری و مادر شدن زود هنگام آثار روانشناختی مثبتی روی دختران در سنین زیر 18 سال بجای نمی گذارد. آنان از خشونت و سوء استفاده جنسی و پیامد های جسمی و روانی آن رنج می برند. مطالعات نشان می دهد دخترانی که به صورت زود هنگام به ازدواج اجباری در سنین زیر 18 تن داده اند، بیش تر به قبول خشونت خانگی و تنبیه توسط شوهرانشان باور دارند.

در اغلب موارد دختران عروس پس از ازدواج وارد خانواده شوهر شده و توسط شوهر و خانواده او مورد استثمار و برده داری خانوادگی قرار

می گیرند.

ازدواج زود هنگام منجر به طلاق و جدایی بیش تری هم می شود. همچنین به دلیل بزرگسالی شوهران مخاطره بیهوش شدن دختران عروس نیز بیشتر می شود (Child and Forced Marriag, 2005) به همین دلیل دختران از نظر اجتماعی، فرهنگی و حقوق مالکیت، در معرض تبعیض و محرومیت مضاعفی قرار می گیرند.

2- این نوع ازدواج باعث می شود که دختران بدون تجربه دوران نوجوانی، وارد دنیایی بزرگتری شوند که با خصوصیات روحی و روانی آنها هماهنگ و سازگار نیست و مجبور به انجام کارهایی شوند که تناسبی به سن و سال آنها ندارد.

در ازدواج های زودهنگام معمولاً دختران نقش زیادی در تصمیم گیری ندارند و در اینگونه خانواده ها مردان معمولاً از سن بسیار بالاتری نسبت به زن برخوردار هستند و این امر باعث می شود که زن تسلیم محض شوهر شود که طبیعتاً این امر خشونت هایی را بر علیه زنان به همراه خواهد داشت، آمار بالای خشونت علیه زنان در کشور شاهد این امر است.»

در جای جای قانون مجوز تجاوز به کودکان عروس در قالب زندگی زناشویی و تمکین به همسرانشان داده شده و طبق قانون این موضوع را نه تنها جرم نیست بلکه؛ عدم تمکین از همسر را بی حقی زن از نفقه دانسته است .

کمیساریای عالی ملل متحد در زمینه حقوق بشر در گزارش اخیر خود در ارتباط با ازدواج زود هنگام خاطر نشان کرده است که به زغم پیشرفتهایی که در این زمینه در کشورهای مختلف جهان صورت پذیرفته است اما همچنان چالشها و معضلات بسیاری در این زمینه وجود دارد.

در قوانین 147 کشور استثنائاتی در زمینه جواز ازدواج پذیرفته شده است. به رغم وجود قوانین بازدارنده در این زمینه در برخی کشورها در عمل و در رویه شاهد آن هستیم. در حقیقت این امر یکی از جدی ترین تعارضات موجود در نظام حقوق بین الملل بشر است و مادام که این نظام نتوانسته از حل این تعارض و چالش بر آید؛ اساساً این قابلیت را نخواهد داشت که به کشورها به ویژه کشورهای اسلامی قواعد خود را تحمیل کند .

طبق قانون مدنی نکاح قبل از بلوغ ممنوع است و سن نکاح را 13 سال شمسی و 15 سال شمسی پذیرفته است؛ که هنوز طبق قوانین بین المللی 3 و 5 سال با سقف موجود در تعارض است. به نظر می رسد برای مبارزه با این چالش ایجاد فرهنگ و ترویج فرهنگ سن ازدواج در خانواده های با فقر فرهنگی باید ایجاد شود و اینکه قانونی برای مجازات سرپرستان و اولیاء کودکانی که فرزندان آنها زیر 18 سال ازدواج می کنند؛ تدوین شود .

منابع

ملیحه؛ مهر آمیز؛ ازدواج کودکان پدیده منفی رو به گسترش؛ روزنامه اعتماد؛ سال 13؛ شماره 5886؛ اردیبهشت 94

طایفی؛ علی؛ [روزنامه سرمایه](#)